

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 20, No. 12, Winter 2020-2021, 287-305
Doi: 10.30465/crtls.2021.30820.1842

Studying Cyberspace and Culture: A Review on the Book *Cyberspace, Society and Culture*

yed Ahmad AskariSey*

Ehsan Shahghasemi**

Abstract

The emergence of the “cyberspace” and the simultaneous expansion of information and communication industries have brought about huge changes in classical concepts and social works that has studied this subject and issues of and cultural structures. One of the by Seyed *Cyberspace; The Society and Culture* cyberspace in Iran has been the book Abolhassan Firouzabadi, who is the head of the Iranian National Center of Cyberspace and s for the Internet in Iran. This article has endeavored to one of the key Iranian policymaker review and introduce this work and then tap into the fundamental discussions on the read it and bring examples to show this -review and re-cyberspace, culture and power to re and methodological improvements. On the surface, the book lacks a book needs theoretical complete content list and a final conclusion section; works cited are dated, and there are some word usages. The book also suffers from a lack of scrutiny, and structurally speaking, .k is fragmented and looselythe boo

Keywords: Cyberspace; Cyberculture; Policing Cyberspace; Book Review.

* PhD Candidate of Communication Sciences (Corresponding Author), University of Tehran, Iran, saaskari@ut.ac.ir

** Assistant Professor of Communication Sciences, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Iran, shahghasemi@ut.ac.ir

Date received: 2020-08-30, Date of acceptance: 2021-01-30

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

مطالعات فضای مجازی و فرهنگ؛ نقدی بر کتاب فضای مجازی؛ اجتماع و فرهنگ

سیداحمد عسکری*

احسان شاه‌قاسمی**

چکیده

ظهور «فضای مجازی» و گسترش صنعت هم‌زمان اطلاعات و ارتباطات بسیاری از مفاهیم کلاسیک و ساختارهای فرهنگی و اجتماعی را دچار دگرگونی کرده است. یکی از آثاری که به این موضوع و مسائل فضای مجازی در ایران پرداخته، کتاب *فضای مجازی؛ اجتماع و فرهنگ* اثر سیدابوالحسن فیروزآبادی، رئیس مرکز ملی فضای مجازی و یکی از سیاست‌گذاران فضای مجازی کشور، است. این مقاله تلاش می‌کند این اثر را با روش مرور انتقادی کتاب موردنقد شکلی و محتوایی قرار دهد. مقاله حاضر، پس از معرفی اثر و طرح مباحث بنیادین در حوزه فضای مجازی، فرهنگ، و قدرت، به نقد و بازخوانی این اثر می‌پردازد و ضرورت‌های نظری و روشی برای بهبود آن را با ذکر دلایل و مصادیق توضیح می‌دهد. فهرست ناقص، عدم نتیجه‌گیری پایانی، و روزآمد نبودن منابع و اطلاعات از جمله اشکالات شکلی اثر است. عدم دقت و اهتمام لازم در تدوین ساختار محتوا و رعایت نظم منطقی جزو اشکالات محتوایی است که موردنقد مرکزی این مقاله قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: فضای مجازی، فرهنگ مجازی، سیاست‌گذاری فضای مجازی، نقد کتاب.

* دانشجوی دکتری علوم ارتباطات دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، saaskari@ut.ac.ir

** استادیار گروه ارتباطات، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران، shahghasemi@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۰۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۱

۱. مقدمه و طرح مسئله

شکل‌گیری و گسترش «فضای مجازی» (cyberspace) بسیاری از حوزه‌ها و ساختارهای کلان از جمله فرهنگ، سیاست، و اجتماع را دچار تغییرات بنیادین کرده است، به گونه‌ای که امروزه با مفاهیم جدیدی همانند جامعه مجازی، سیاست فضای مجازی، و فرهنگ دیجیتال مواجهیم و فهم ما از جهان واقعی «منهای درک جهان مجازی» میسر نیست (عاملی ۱۳۸۶: ۴۵).

اینترنت در جامعه مدنی امروزی تحول عمده‌ای ایجاد کرده است و شهروندی فعال و گسترش اینترنت رابطه میان فرهنگ و سیاست را تغییر داده است (روجک ۱۳۹۰: ۳۷، ۲۹۷)، به گونه‌ای که برخلاف جامعه تک‌فضایی گذشته اطلاعات همه‌جا و به همه شکل در دسترس همگان قرار دارد (عاملی ۱۳۹۶: ۶۴) و شبکه‌های اجتماعی در ساختار اجتماعی «جامعه شبکه‌ای» (Castells 1996: 694) فرصت جدیدی پیش‌روی جامعه معاصر قرار داده‌اند و «به کاربران امکان می‌دهند که در قالب پروفایل‌های شخصی و در پیوند با سایر کاربرانی که در آن شبکه حضور دارند به ارتباط و تبادل اطلاعات بپردازند» (Elison and Boyd 2007: 211).

در این فضای جدید، «فضای مجازی» به افقی، تعاملی، و متکثر شدن ارتباطات کمک کرده است و فناوری‌های نوین در سایه ارتباطات افقی، اینترنت، و شبکه‌های ارتباطی موبایل فرایندهای ارتباطی عمدتاً خودگردانی را میسر ساخته‌اند که کنترل آن‌ها با بروکراسی دولتی دشوار است (کاستلز ۱۳۹۶: ۱۲). جامعه ایرانی نیز از تحولات فضای مجازی مستثنا نیست و این تغییر نگاه به مختصات فضای مجازی در کتاب *فضای مجازی؛ اجتماع و فرهنگ*، به قلم سیدابوالحسن فیروزآبادی، مورد توجه قرار گرفته است. مؤلف در این کتاب تشریح کرده است که فضای مجازی توان‌مندسازی (empowerment) دارد و سیاست‌هایی که بر این اساس است تا بخش‌هایی از فناوری را محدود کند، نمی‌تواند در سیاست‌گذاری حوزه فضای مجازی پاسخ‌گو باشد (فیروزآبادی ۱۳۹۶: ۱۱۸).

مقاله حاضر بر این مبنا و با درک ضرورت مطالعات فضای مجازی در تلاش است تا با نقد و بررسی مباحث عرضه‌شده در کتاب *فضای مجازی؛ اجتماع و فرهنگ* تبیینی از سیاست‌گذاری فضای مجازی و رابطه آن با فرهنگ و سیاست ارائه دهد و با رویکردی انتقادی و روشی توصیفی - تحلیلی به نقد شکلی و محتوایی این اثر بپردازد.

اهمیت کتاب منتخب از این منظر است که مؤلف اثر هم‌اکنون دبیر شورای عالی فضای مجازی و رئیس مرکز ملی فضای مجازی ایران است و به طبع نگاه و دیدگاه مؤلف اثر به

سیاست‌گذاری فضای مجازی و رابطه آن با فرهنگ و سیاست که در این اثر بدان پرداخته از اهمیت بالایی برای بازخوانی انتقادی حوزه فضای مجازی کشور برخوردار است. بر این اساس، در ابتدا نکاتی درباره مختصات فضای مجازی و ماهیت سیاست‌گذاری در این فضای جدید ارتباطی و در ادامه رابطه بین فضای مجازی، سیاست، و فرهنگ ارائه می‌شود و در گام دوم، با توجه به این که مؤلف اثر یکی از سیاست‌گذاران فضای مجازی کشور است و همین موضوع نیز دلیل اصلی انتخاب آن برای نقد است، به معرفی و نقد و بررسی شکلی و محتوای این کتاب پرداخته می‌شود.

۲. فضای مجازی و شکل‌گیری جامعه شبکه‌ای

برای فهم بهتر اهمیت فضای مجازی در ساحت زندگی انسان معاصر ایرانی، باید توجه داشته باشیم که جامعه ایرانی با موبایل هوشمند تا شبکه‌های اجتماعی مجازی ارتباط نزدیکی حاصل کرده است؛ به گونه‌ای که میلیون‌ها ایرانی عضو پیام‌رسان‌های داخلی و خارجی هستند و میلیون‌ها کاربر نیز در شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک، اینستاگرام، گوگل پلاس، و سایر شبکه‌های مجازی فعال‌اند. این تغییرات اجتماعی و فناورانه ما را به این نتیجه می‌رساند که الگوهای پیشین مواجهه با مسائل فرهنگی را، که مناسب با دوران پیش از انقلاب فناوری اطلاعات و ارتباطات است (فیروزآبادی ۱۳۹۶: ۱۱۵)، باید موردبازنگری قرار دهیم.

هم‌اکنون، با گسترش صنعت هم‌زمان اطلاعات و ارتباطات و توسعه شبکه‌های اجتماعی مجازی با عصر «دوفضایی شدن جهان» (عاملی ۱۳۸۲) و «جهان به هم فشرده» (bringing the world closer together) مواجهیم (Wong 2017)؛ وضعیتی که رابرتسون آن را فشردگی جهان و هاروی آن را فشردگی زمان-مکان می‌نامد (مهدی‌زاده ۱۳۹۱). این فضای جدید هم‌راه با استفاده از ابزارهای ارتباط مجازی همانند موبایل، شبکه‌های اجتماعی، و اینترنت هم‌راه است و فرامتغییرهای آن سرعت، دسترسی پذیری دائمی، امکان ارتباطات و تعاملات هم‌زمان، هایپر تکست و هایپر لینک بودن، فرامکانی و فرازمانی، همه‌جا حاضر، و چندرسانه‌ای شدن است (عاملی ۱۳۹۶: ۱۰۱).

جامعه شبکه‌ای را که منتج از فضای مجازی است می‌توان شکلی از جامعه تعریف کرد که به گونه‌ای فزاینده روابط خود را در شبکه‌های رسانه‌ای سامان می‌دهد؛ شبکه‌هایی که به تدریج جای‌گزين شبکه‌های اجتماعی ارتباطات رودررو می‌شود یا آن‌ها را تکمیل

می‌کند. این بدان معنی است که شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ای در حال شکل دادن به «شیوه سازمان‌دهی» اصلی و «ساختارهای» بسیار مهم جامعه مدرن هستند (وندایک ۱۳۸۴: ۸۵). جامعه شبکه‌ای به عنوان «یک جامعه جهانی» جامعه‌ای است که ساختارهای اجتماعی‌اش پیرامون شبکه‌های فعال شده از طریق فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی شکل گرفته است (کاستلز ۱۳۹۶: ۲۸، ۲۹) و فرهنگ مجازی را در جریان‌های جهانی می‌سازد (کاستلز ۱۳۸۰: ۴۳۳).

مسئله اصلی جامعه شبکه‌ای و در دیدگاه شبکه روابط است؛ بلوک‌های اصلی شبکه ارتباط است و واحد تشکیل‌دهنده ساخت جامعه شبکه‌های تعاملی هستند (فیروزآبادی ۱۳۹۶: ۳۷) و ساختار اجتماعی مبتنی بر شبکه نیز سیستم بسیار باز و پویایی است که بدون این‌که توازن آن با تهدیدی روبه‌رو شود توانایی نوآوری دارد (کاستلز ۱۳۸۰: ۵۴۵).

«شبکه‌های اجتماعی» در ساختار اجتماعی «جامعه شبکه‌ای» (Castells 1996: 694) فرصت جدیدی پیش‌روی انسان معاصر قرار داده‌اند؛ به گونه‌ای که فاصله تولید، توزیع، انتشار، و مصرف در این جهان مجازی تنها یک کلیک است (عاملی ۱۳۹۶: ۱۰۲) و به کاربران این امکان را می‌دهند که در قالب پروفایل‌های شخصی و در پیوند با سایر کاربرانی که در آن شبکه حضور دارند، به ارتباط و تبادل اطلاعات بپردازند (Elison and Boyd 2007: 211).

اگرچه کتاب فضای مجازی؛ اجتماع و فرهنگ به تغییرات فضای جدید ارتباطی و تأثیرپذیری اجتماع و فرهنگ از فضای مجازی پرداخته و در بخش‌هایی از اثر به این نکته نیز اشاره کرده است که «انسان با کمک فضای مجازی نه فقط توانا می‌شود بلکه توانمند می‌شود» (فیروزآبادی ۱۳۹۶: ۱۱۷)، اما تمرکز اصلی کتاب، بیش‌تر از این‌که بر قدرت بخشی کاربران باشد، بر جنبه پی‌آمدی و آسیبی فضای مجازی است. از نگاه مؤلف، عامل عمده این آسیب در فضای مجازی «فقدان بدیل فرهنگی مناسب» در فضای سایبری است (همان: ۹۴).

از زاویه نگاه این اثر، «صیانت از بعضی هویت‌ها که به‌طور سنتی برعهده حکومت‌ها بوده است، با روش‌های به‌روز شده و پیچیده‌تری بایستی طراحی و اجرا شوند» و گرنه جامعه امروزی با تضعیف هویت دینی، ملی، و خانوادگی مواجه می‌شود و هویت مجعول غربی تحت عنوان هویت جهانی جای‌گزین می‌شود که این‌گونه هویت‌ها فاقد هنجارند و زاینده بحران‌های بزرگ هویتی، امنیتی، و موجب کاهش قدرت ملی می‌شوند (همان: ۹۵).

این درحالی است که از دیدگاه کاستلز، واضح نظریه «جامعه شبکه‌ای»، فضای ارتباطی جدید توانایی مردم را افزایش دهد و افراد در جامعه شبکه‌ای از قدرت کنش‌گری بیشتری برخوردار شده‌اند و شکل جدیدی از ارتباطات تعاملی به نام «ارتباطات جمعی خودانگیز» پدیدار شده است که به لحاظ تولید پیام خودتولید، از نگاه دریافت‌کننده خودگردان، و درمقام بازیابی محتوا خودگزین است (کاستلز ۱۳۹۶: ۸۴، ۲۱۶). بنابراین، تنوع و امکان انتخاب بیش‌تر و سپردن دوباره کنترل به دست دریافت‌کننده / استفاده‌کننده از ویژگی‌های مهم رسانه‌های نوین است (مک‌کوایل ۱۳۸۲: ۷۱) که می‌بایست در مطالعات فضای مجازی موردتوجه قرار گیرد.

۳. سیاست‌گذاری فضای مجازی: نسبت بین سیاست، فرهنگ، و قدرت

سیاست‌گذاری مستلزم دیدن «شکل‌های دانش و قدرت» (روجک ۱۳۹۰: ۱۴) و صراحتاً دربرگیرنده ارزش‌ها (ماژرزاک ۱۳۹۲: ۲۵) است. بدین ترتیب، سیاست‌گذاری حوزه‌ای جداگانه از سیاست (politics) نیست (Sarikakis 2004: 67) و تحت تأثیر سازه‌های قدرت است و در بخش‌های مختلف زیست اجتماعی و در ساختارهای مختلف فرهنگی و اجتماعی تبلور پیدا می‌کند.

سیاست‌گذاری عمومی از دل علم سیاست (به معنای پرداختن به قدرت) سر برآورده است و بدون توجه به برابری نیروهای قدرت در جامعه نمی‌توان به هیچ شکلی از سیاست‌گذاری پرداخت (اکبرزاده جهرمی ۱۳۹۵: ۱۲). در این رابطه، افرادی چون دس فريدمن (Freedman) در کتاب *سیاست‌گذاری رسانه‌ای* (۲۰۰۸) بر این باور است که سیاست‌گذاری رسانه‌ای امری به شدت سیاسی است و در تحقیق «چهره ناپیدای سیاست‌گذاری» توضیح می‌دهد که چگونه مؤلفه‌های قدرت سیاسی در سیاست‌گذاری رسانه‌ای تأثیر داشته است (روشندل اربطانی ۱۳۹۶: ۱۷).

قدرت نیز در جامعه شبکه‌ای چندبعدی است (کاستلز ۱۳۹۳: ۱۴) و بر مبنای کنترل فرایندهای اطلاعاتی و ارتباطاتی شکل می‌گیرد (کاستلز ۱۳۹۶: ۳۵). قدرت در این فضای جدید به شکل گسترده‌تری توزیع خواهد شد (عاملی ۱۳۹۶: ۲۳۰) و افراد در فضای عمومی آزاد اینترنت با متصل شدن به یکدیگر تشکیل شبکه می‌دهند و با درگیر شدن در تولید پیام و توسعه شبکه‌های مستقل ارتباط افقی به شکل‌گیری ارتباط جدیدی به نام خود - ارتباط - گیری توده‌ای (communication-mass self) (ارتباط جمعی خودانگیز) که مبتنی بر شبکه‌های

ارتباطی تعاملی و چندسویه در اینترنت است (کاستلز ۱۳۹۳: ۱۰، ۱۴، ۱۸۵) دست می‌یابند. بنابراین، بازخوانی قدرت در جامعه شبکه‌ای که برآمده از فضای جدید مجازی است از اهمیت مطالعه بالایی برخوردار است؛ چراکه هندسه جدید قدرت در جامعه شبکه‌ای متفاوت از جامعه توده‌ای است.

در این میان، هر نوع بحث در مورد سیاست‌گذاری رسانه‌ای بدون بحث درباره نوع و میزان دخالت دولت در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی به مقصود نخواهد رسید. از این رو، هنگام بحث درباره سیاست‌گذاری رسانه‌ای به‌طور خاص نیز باید ابتدا دو شیوه دخالت دولت را از یک‌دیگر تفکیک کرد. شیوه نخست تصدی‌گری است که چون دولت معتقد است که حافظ منافع عمومی است، در نتیجه صلاحیت سیاست‌گذاری و اجرا دارد و شیوه دیگر نظارت است که در این شیوه رسانه‌ها عملکردی آزادانه دارند و دولت صرفاً بر کار آن‌ها به دلیل حفظ منافع عمومی نظارت دارد (روشندل اربطانی ۱۳۹۶: ۱۳۹).

از آن‌جا که قدرت در جامعه شبکه‌ای قدرت ارتباطات است (Castells 2013: 53) و قدرت در وهله اول از طریق معناسازی در ذهن انسان و به‌کمک فرایندهای ارتباطی اعمال می‌شود (کاستلز ۱۳۹۶: ۶۳۱)، سیاست‌گذاری ارتباطی نیز باید به‌گونه‌ای صورت گیرد که در فضای ادراکی و ذهنی گروه‌های مختلف تأثیرگذار باشد (مصلی‌نژاد، به‌نقل از گیلپوآ ۱۳۹۷: ۱۶۱). محور واقعی اقتدار در جامعه جدید نیز همین فرهنگ نهادینه‌شده در جامعه مدنی است (روجک ۱۳۹۰: ۱۹۷) که به‌صورت داوطلبانه توسط مخاطب پذیرفته می‌شود. در این رابطه، به‌زعم گرامشی (۱۹۷۱) سیاست‌های مبتنی بر هژمونی کارآتر است؛ چراکه هژمونی از طریق طیف کاملی از نهادهای «جامعه مدنی» عمل می‌کند و افراد را از روی رضایت تا اجبار به نظم مسلط متصل می‌کنند. بنابراین، مبارزه با هژمونی کار دشواری است، اما سیاست‌های مبتنی بر ایدئولوژی (همانند فیلترینگ و سانسور) «جهت تنظیم رفتار» اصولاً از طریق زور (اجبار) و حذف عمل می‌کنند (روجک ۱۳۹۰: ۳۹، ۱۹۴-۱۹۶).

در حوزه سیاست‌گذاری و قدرت باید به این نکته توجه داشت که ایدئولوژی در نایل شدن به سلطه و تبعیت به‌نحو بی‌رحمانه‌ای مؤثر است، اما در عین حال یک راه‌برد کنترلی کاملاً خطرناک است؛ زیرا برخورد و مخالفت را به دلیل حذف آشکار اجتماعی دامن می‌زند؛ به همین دلیل، فرهنگ‌های مدرن سیاسی به‌ندرت به این ابزار حکومت متوسل می‌شوند و معمولاً به‌جای استفاده از زور از ترغیب و تعیین موضع‌گیری فرهنگی استفاده می‌کند (همان: ۱۹۵) که از اثرگذاری و مانایی بیشتری در شبکه قدرت برخوردار است؛ چراکه در چنین شرایطی قدرت در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی از طریق «عقلانیت

ارتباطی» و سیستم خودکنترلی قادر خواهد بود تا روندهای اثرگذار بر بازیگران پیرامونی را به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی کند که حداقل واکنش را به‌وجود آورد (مصلی‌نژاد ۱۳۹۷: ۱۶۲).

در مجموع، سیاست خوب سیاستی است که از سوی جامعه پذیرفته شود (قلی‌پور و پورآهنگر ۱۳۸۹: ۲۲) و در سطح اجتماعی در موردشان توافق شده باشد (استین و سینا ۱۳۸۳: ۱۴۲). اثر موردنقد نیز با این دیدگاه به سیاست‌گذاری پرداخته است و بر این نکته تأکید دارد که سیاست‌گذاری قابل‌تقلیل به سندنویسی نیست (فیروزآبادی ۱۳۹۶: ۱۱۹).

این‌که سیاست‌گذار به فضای مجازی و رسانه‌های نوین به‌مثابه تجلی «اراده عمومی» یا «تهاجم فرهنگی» نگاه کند، مسیر متفاوتی را در بین فرهنگ و قدرت طی خواهد کرد. نگاه آسیب‌شناسانه به فضای مجازی در این کتاب نیز ظهور یافته است و مؤلف برای کاهش تأثیرات منفی آن پیش‌نهاد «بديل فرهنگي مناسب» (همان: ۳۶) ارائه می‌دهد؛ اما موضوع مهم تأکید مؤلف بر این نکته است که اگر بنا داریم به تهدیدهای فضای مجازی بپردازیم، صحبت از محدودیت در این مسیر نیست، بلکه باید در این مسیر تندتر حرکت کنیم. بنابراین، در حوزه سیاست‌گذاری فضای مجازی، سیاست‌هایی که براساس این است که بخش‌هایی از فناوری را محدود کنیم، نمی‌تواند در حوزه فضای مجازی پاسخ‌گو باشد (همان: ۱۰۷، ۱۱۸).

این زاویه نگاه به فضای مجازی از این نظر مهم است که در فضای حاکمیتی کشور کماکان سیاست‌گذاری سلبی بر سیاست‌گذاری ایجابی تفوق دارد (خانیک و بصیریان جهرمی ۱۳۹۳: ۴۱). از سوی دیگر، مهندسی فرهنگی مفهومی غالب در سیاست‌گذاری رسانه‌ای در ایران است. بدین ترتیب، اتخاذ سیاست‌هایی همانند فیلترینگ، محدودیت سرعت، و نظایر این در چهارچوب مفهوم مهندسی فرهنگی برجسته است (اکبرزاده جهرمی ۱۳۹۵: ۳۸). دفاع مؤلف اثر، به‌عنوان یکی از سیاست‌گذاران فضای مجازی کشور، بر این دیدگاه که «هم‌اکنون دولت دیگر دولتی نیست که توان سرمایه‌گذاری و مداخله داشته باشد. هم‌اکنون دولت تنها می‌تواند حمایت کند، آن هم حمایت در حد سیاست‌گذاری» (فیروزآبادی ۱۳۹۶: ۱۱۳)، می‌تواند رویکرد راه‌گشایی برای اتخاذ سیاست‌های مبتنی بر فضای جدید ارتباطی باشد؛ چراکه سیاست‌گذاری در جامعه شبکه‌ای و در عصر فضای مجازی به‌واسطه «معماری باز اینترنت» (دال زوتو و لوگمایر ۱۳۹۷) می‌بایست طبق رویکرد گشودگی فضای مجازی، مخاطب فعال، و نظریاتی در این راستا اتخاذ شود.

در این ره‌یافت، «رسانه‌های اجتماعی مجازی» به افقی، تعاملی، و متکثرشدن ارتباطات کمک کرده‌اند و مخاطب نیز در این رویکرد فعال است و می‌تواند تولیدات رسانه‌ای را

مصرف کند، از مصرف آن سر باز زند، یا آن را به شیوه‌های دل‌خواهش تفسیر کند (سورین و تانکارد ۱۳۸۱). این رویکرد که از همان ابتدا بر نیازهای شخصی، جهت‌گیری‌ها، و فعالیت‌های تفسیری مخاطب تأکید می‌کند (نیکو و دیگران ۱۳۸۱: ۱۷) و در سیاست‌گذاری نزدیک به رویکرد استفاده و خشنودی الهیو کاتز است که در استفاده مخاطب/کاربر از فرصت‌های ارتباطی فضای مجازی نیز می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

بنابراین، همان‌گونه که جامعه مدرن در حال گذار از جامعه توده‌ای به جامعه شبکه‌ای است (ون‌دایک ۱۳۸۳: ۸۶)، سیاست‌گذاری رسانه‌ای نیز با درک تفاوت بین «سیاست‌های رسانه‌ای قدیم و جدید» (new media and policies old) (Van den Bulck et al. 2019; 52) نه طبق رویکرد جامعه توده‌وار بلکه می‌بایست منطبق بر بازار و فناوری و هم‌چنین نیازهای مصرف‌کنندگان باشد، به گونه‌ای که سیاست‌گذاران با ره‌یافتی نو بتوانند در عصر ظهور رسانه‌های جدید این رسانه‌ها را مورد توجه قرار دهند (روشندل اربطانی ۱۳۹۶: ۱۵، ۴۲).

۴. معرفی کلی اثر

کتاب *فضای مجازی؛ اجتماع و فرهنگ*، اثر سیدابوالحسن فیروزآبادی، در انتشارات علمی فرهنگی در سال ۱۳۹۶ منتشر شده است. «در این کتاب، با مرور ادبیات فضای مجازی و مؤلفه‌های این فضا به بررسی پی‌آمدهای اجتماعی و فرهنگی فضای مجازی در کشور» پرداخته شده است (فیروزآبادی ۱۳۹۶: ۸).

بیکره کتاب شامل دو بخش کلی است که با مجموعه‌ای از مطالب کوتاه در ذیل دو بخش کلان «پی‌آمدهای اجتماعی و فرهنگی توسعه فضای مجازی» و «موضوعاتی در ارتباط با فضای مجازی» پوشش داده شده است. بخش اول کتاب «برگرفته از رساله دکتری مؤلف در دانشگاه دفاع ملی» (همان: ۸) است و شامل ۲۴ مطلب و سه جمع‌بندی - «جمع‌بندی (فضای مجازی)»، «جمع‌بندی (پی‌آمدهای اجتماعی)»، و «جمع‌بندی (پی‌آمدهای فرهنگی)» - است. این بخش با مطالبی در حوزه‌های نظریه دین مجازی، شبکه‌های اجتماعی، شکاف دیجیتالی، هویت و جهانی‌شدن، نظریه جامعه اطلاعات بازی، تهاجم فرهنگی، تعامل فرهنگی، فرهنگ و ارتباطات، و مؤلفه‌های فضای مجازی از نظر اندیشه اسلامی تشکیل شده است.

بخش دوم کتاب با عنوان «موضوعاتی در ارتباط با فضای مجازی» شامل سیزده مبحث است و اغلب «برگرفته از سخن‌رانی‌های مؤلف در روی‌دادهای مختلف» است که درباره

شبکه ملی اطلاعات، هویت متکثر مجازی، سیاست‌گذاری در فضای مجازی، فضای مجازی و آسیب‌های اجتماعی، و مسائل دیگری هم‌چون امنیت فضای مجازی است.

۵. نقد و ارزیابی اثر

نقاط عمده قوت و ضعف اثر در این بخش از مقاله موردنقد و ارزیابی قرار می‌گیرد. از این‌رو، ابتدا به نقد شکلی و در ادامه به صورت عمیق‌تر به نقد محتوایی آن پرداخته می‌شود.

۱.۵ نقد شکلی اثر

سطح انتظار مخاطب از کیفیت شکلی و محتوایی آثاری که در حوزه‌های جدید و به‌روز مطالعاتی و از سوی ناشران معتبری همانند انتشارات علمی و فرهنگی روانه بازار نشر می‌شود بیش‌تر از سایر کتب بازار نشر است. این اثر منتشرشده در حوزه مطالعاتی فضای مجازی نیز از سطح انتظار بالاتری برخوردار است. در این میان، جنس کاغذ تحریر، قطع وزیری کتاب، طرح جلد گلاسه، حروف‌چینی، صفحه‌آرایی، صحافی، کیفیت مناسب تصاویر، و کیفیت چاپ کتاب فضای مجازی؛ اجتماع و فرهنگ مناسب است و جزو نقاط قوت شکلی کتاب محسوب می‌شود. جلد کتاب از جذابیت بصری مناسبی برخوردار است و از ایده شبکه اجتماعی مجازی وام گرفته شده است. طرح جلد کتاب نشان‌دهنده نگاه مثبت و نه منفی به فضای مجازی است؛ توصیف جلد حاکی از کاربرانی آنلاین در فضای برخط است که با یک‌دیگر تشکیل شبکه داده‌اند و پس‌زمینه آبی‌رنگ جلد و طرح‌های شکوفه‌ای در بین فضای شبکه‌ای کاربران نشانه نگرش مثبت به شبکه ارتباطی در فضای مجازی است.

این کتاب، در کنار نگاه مثبت به فضای مجازی و نقش سازنده فناوری اطلاعات و ارتباطات، به نگاه آسیبی و بدبینانه به فضای مجازی نیز پرداخته است؛ نگاهی که در بخش عمده‌ای از بدنه سیاست‌گذاری عمومی و ارتباطی کشور قابل مشاهده است و در بخش‌هایی از این کتاب نیز ارائه شده است:

یکی از دلایل تهاجم فرهنگی در فضای مجازی برتری فناوری غرب در حوزه‌های زیرساختی سخت‌افزاری، نرم‌افزاری، شبکه‌ای، و اطلاعاتی می‌باشد. برتری فناورانه در حوزه اطلاعاتی از قبیل بانک‌های اطلاعاتی بزرگ و مناسب، موتورهای جست‌وجوی سریع و چندزبانه و پایگاه‌های بزرگ شبکه‌های اجتماعی و نرم‌افزارهایی که القاکننده

ذهنیت غربی هستند از جمله مصادیق برتری فناوریانه در حوزه تهاجم فرهنگی به‌شمار می‌آیند (فیروزآبادی ۱۳۹۶: ۹۱).

باتوجه به مؤلفه‌های جامعیت صوری اثر، اگرچه کتاب حاضر دارای مقدمه‌ای چهارصفحه‌ای است، مشخص نشده که به‌قلم و امضای مؤلف یا ناشر است؟ عنوان «مقدمه» نیز در فهرست ذکر نشده است و هم‌چنین عدم ذکر عنوان «منابع» در فهرست مطالب جزو ایرادات شکلی جدی اثر است که از ناشر معتبری همانند علمی و فرهنگی دور از انتظار است که فهرست ناقص منتشر کند.

هدف از انتشار در مقدمه کتاب مورد اشاره قرار نگرفته است و در صفحات مقدمه اغلب به پی‌آمدهای مثبت و منفی فناوری اطلاعات و ارتباطات پرداخته شده است. هم‌چنین، در مقدمه کتاب چندین بار مخفف «فاوا» برای فناوری اطلاعات و ارتباطات به‌کار رفته است. فاوا معادل مخفف انگلیسی (Information and Communication Technology/ ICT) است و بهتر است عنوان کامل آن در پانویس کتاب ذکر می‌شد.

کتاب حاضر در فصل‌های مختلف از ابزارهای گوناگون برای فهم بهتر مطالب بهره گرفته است. اشکال، دیاگرام، چارت‌ها، و تصاویری همانند مؤلفه‌های فضای مجازی، پی‌آمدهای فرهنگی ارتباطات در فضای مجازی، شکاف دیجیتالی، دیاگرام علی روابط در شبکه‌های اجتماعی، اثرگذاری فرهنگ بر اینترنت، دیجیتالی شدن فرهنگ ایرانی، پی‌آمدهای فرهنگی توسعه فاوا (همان: ۱۴، ۱۵، ۲۲، ۳۹، ۴۹، ۶۹، ۸۱) و بهره‌گرفتن از ابزارهایی همانند جدول ابعاد اصلی سرمایه اجتماعی (همان: ۴۰) به فهم بهتر مطالب کتاب از منظر آموزشی کمک کرده است. گرچه بهره‌گیری از اشکال و تصاویر مرتبط با فضای مجازی و فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات از نقاط قوت این اثر برای یادگیری بهتر مطالب است، بهتر بود که در کتاب «فهرست تصاویر» نیز در نظر گرفته می‌شد.

کتاب فضای مجازی؛ اجتماع و فرهنگ در پانویس صفحات از معادل‌های انگلیسی مفاهیم و واژگان استفاده کرده است، اما ناشر در صفحه‌بندی و حروف‌چینی از اندازه قلم مناسب برای پانویس استفاده نکرده است، به‌گونه‌ای که قلم و اندازه آن گاهی بولد (ضخیم یا سیاه) است. دوم این‌که از فونت یک‌سان برای همه پانویس‌ها در کل اثر استفاده نشده است و استفاده از چندین اندازه قلم برای پانویس‌های کتاب یکی از اشکالات شکلی اثر در بخش حروف‌چینی و صفحه‌آرایی محسوب می‌شود.

کتاب از منظر روان‌بودن متن مقبول است و از آن‌جاکه بخشی از کتاب شامل سخن‌رانی‌های مؤلف است، به‌خوبی از زبان شفاهی به زبان نوشتاری برگردانده شده است.

هم‌چنین، قواعد عمومی ویرایش، نگارش، و ویرایش تخصصی مطلوب است، البته در مواردی، از نظر ویرایش فنی نیم‌فاصله‌ها رعایت نشده است یا از نظر تایپی اشکالات محدودی مشاهده می‌شود، همانند «ارتباطات موبایل» (همان: ۱۳۶) که بین حروف متصل به هم فاصله اضافی افتاده است. اشکالات دیگری در جابه‌جایی اعداد و حروف نیز در نمونه‌خوانی به چشم می‌خورد، همانند (۱۷/۸/۱۳۸۵). یک نمونه دیگر از مشکلات ویرایشی عدم رعایت یک‌دستی است. برای نمونه، در فهرست دو نمونه متفاوت علامت نگارشی برای یک منظور به کار رفته است (بخش اول، / بخش دوم)؛ درحالی‌که باید از یک نشانه مشترک ویرگول (،) یا کاما ویرگول (؛) در فهرست استفاده می‌شد.

از آن‌جاکه این اثر یک منبع درسی نیست، تمرین و بخش‌هایی همانند «معرفی منابع برای مطالعه بیشتر» و «پیش‌نهاد پژوهش» در هر فصل ندارد و بیش‌تر شامل «مباحث مختصر چندصفحه‌ای» در حوزه فرهنگ و فضای مجازی است؛ برای نمونه، مباحث تعامل فرهنگی، نظریه صنعت فرهنگی، هویت متکثر مجازی، مفهوم دین مجازی، تهاجم فرهنگی هرکدام فقط شامل دو صفحه است و مباحثی همانند نظریه دین مجازی در حد نیم‌صفحه (همان: ۵۴) است که بهتر بود این مباحث پراکنده به شیوه مناسب‌تری تدوین می‌شد و حجم بیش‌تری از مباحث هر حوزه را در قالب مرسوم کتاب به‌خود اختصاص می‌داد.

اثر از منظر ارجاع‌دهی و منبع‌دهی نیز دچار کاستی در دقت منابع است و در منبع‌دهی درون‌متنی از ذکر شماره صفحات هر منبع خودداری شده است همانند: (کچوئیان، ۱۳۸۲)، (گیدنز، ۱۹۹۰) (واترز، ۱۳۷۹). کتاب حتی از یک‌دستی در ارجاع‌دهی نیز برخوردار نیست؛ برای نمونه، در صفحه ۲۳ به این شیوه ارجاع داده است: (همان، ۸) و در صفحه بعد، یعنی در صفحه ۲۴، به شیوه متفاوتی ارجاع داده است: (همان، ص ۶۵).

کتاب‌شناسی در چهار صفحه منتشر شده است ولی کتاب از نمایه موضوعی (واژه‌نامه) برخوردار نیست. یک ایراد از منظر صفحه‌بندی درج عنوان «منابع فارسی» در تمام صفحات منابع فارسی کتاب است، درحالی‌که صرفاً در اول منابع کفایت می‌کرد. نکته قابل‌توجه در این حوزه محدود و به‌روز نبودن منابع انگلیسی است، به‌گونه‌ای که اثر حاضر تنها از پنج منبع انگلیسی بهره گرفته است که از این تعداد نیز سه منبع مربوط به سال قبل از ۲۰۰۰ است؛ درحالی‌که بهتر بود کتابی که در حوزه فضای مجازی و از سوی یکی از سیاست‌گذاران فضای مجازی کشور منتشر شده است از آخرین تحولات فضای مجازی و منابع به‌روز خارجی بهره می‌گرفت.

کتاب از منظر روزآمدی منابع و اطلاعات نیز باید موردبازنگری قرار گیرد. آمارهایی همانند مصرف پیام‌رسان تلگرام در ایران مربوط به سال ۱۳۹۴ است (فیروزآبادی ۱۳۹۶: ۱۰۹). این درحالی است که مؤلف به دلیل جایگاه قانونی خود، درمقام دبیر شورای عالی فضای مجازی، از امکان دسترسی بالایی به آمارهای استفاده از شبکه‌های اجتماعی در ایران برخوردار است و منطقی نیست که، باتوجه به تغییرات سریع مصرف شبکه‌های اجتماعی و تحولات لحظه‌ای فضای مجازی، از آمار دو سال قبل از انتشار مصرف شبکه‌های اجتماعی کشور استفاده شود. مؤلف هم‌چنین در مبحث فناوری اطلاعات و ارتباطات و توسعه متوازن که برگرفته از سخن‌رانی وی در سال ۱۳۹۲ بوده، بیان کرده است: «الآن» متجاوز از ۲/۵ میلیارد نفر مشترک از نسل سوم موبایل در دنیا استفاده می‌کنند (همان: ۱۵۳). از آن‌جاکه این سخن‌رانی مربوط به سال ۱۳۹۲ است و کتاب در سال ۱۳۹۶ منتشر شده است، برای مخاطب روشن نیست منظور از «الآن» و تاریخ این آمار مربوط به چه سالی است.

۲.۵ نقد محتوایی اثر

۱.۲.۵ ارزیابی ساختار محتوایی و نظم منطقی اثر

کتاب حاضر گردآوری مجموعه‌ای از مطالب، یادداشت‌ها، و سخن‌رانی‌ها در حوزه‌های کلان فرهنگ و مسائل فضای مجازی است که از پیوستگی لازم برخوردار نیست و ارتباط معناداری بین مطالب مختلف کتاب صورت نگرفته است. ساختار و شیوه تدوین کتاب اشکال و نقدهای جدی دارد، به‌گونه‌ای که کتاب از مقدمه، بدنه، و نتیجه‌گیری منطقی بهره‌مند نیست؛ هم‌چنین، بر دو بخش کتاب، که بدنه اصلی آن را تشکیل می‌دهد، نیز این انتقاد وارد است.

بخش اول کتاب که درباره پی‌آمدهای اجتماعی و فرهنگی توسعه فضای مجازی است مقدمه ندارد، اما شاهد سه جمع‌بندی در انتهای این بخش هستیم: ۱- جمع‌بندی (فضای مجازی) در نیم‌صفحه، ۲- جمع‌بندی (پی‌آمدهای اجتماعی)، ۳- جمع‌بندی (پی‌آمدهای فرهنگی). این سه جمع‌بندی در انتهای بخش اول ارتباط ارگانیکی مطالب را دچار مشکل کرده است و شیوه تدوین مناسب‌تری را می‌طلبد.

آنچه که از نظم منطقی و ساختار متداول و استاندارد یک کتاب در ذهن داریم، در اثر موردنقد و بررسی مشاهده نمی‌شود و اغلب شاهد مطالب گوناگون و پراکنده‌ای

هستیم که در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. این اشکال به ساختار و نظم منطقی اثر در صفحات مختلف آن قابل مشاهده است؛ به گونه‌ای که مخاطب با وضعیتی روبه‌رو می‌شود که یک بخش از کتاب دارای سه جمع‌بندی و بخش دیگری از کتاب بدون جمع‌بندی است و حتی کتاب در پایان نیز از نتیجه‌گیری و جمع‌بندی نهایی برخوردار نیست. بنابراین، یک ایراد جدی تدوین کتاب در مقدمه و نتیجه‌گیری است. نداشتن «نتیجه‌گیری» یکی از ایرادات اصلی ساختاری است. مقدمه نیز برای هیچ‌کدام از دو بخش نوشته نشده است و ضرورت داشت که کتاب در ابتدای هر بخش از مقدمه‌ای هرچند کوتاه بهره‌مند بود.

در صفحات مختلف این اثر، عدم هماهنگی و پای‌بندی به اصول ساختاری یک کتاب مستقل قابل ملاحظه است و موجب شده است که نظم منطقی اثر و نظم منطقی مطالب با اشکال مواجهه شود. در این میان، ایراد جدی‌تر ترتیب مطالب کتاب است که بدون این‌که در قالب فصول مختلف با یک نظم منطقی تدوین شود، به‌صورتی مکانیکی و پراکنده در کنار هم قرار گرفته است؛ این درحالی است که مؤلف از امکان تدوین بهتر مطالب برخوردار بود. برای نمونه در بخش اول، شاهد مطالبی به این ترتیب هستیم: «نظریه دین مجازی»، «مفهوم دین مجازی»، «دین واقعی و دین مجازی». این سه مطلب مرتبط به هم می‌توانست در قالب یک فصل مستقل در موضوع دین مجازی در ذیل بخش اول تدوین شود و به انسجام مباحث کتاب کمک کند. نمونه دیگر مطالبی است که در فهرست با عنوان «هویت» و «هویت‌های خودساخته اختیاری»، «هویت متکثر مجازی»، و سایر مطالب مرتبط منتشر شده است که امکان تدوین این مباحث در قالب فصل جداگانه‌ای در حوزه هویت مجازی وجود داشت.

اگرچه هماهنگی عنوان کتاب با محتوای آن از نقاط قوت اثر است و از سوی دیگر حوزه فضای مجازی نیز از مسائل مختلفی برای بحث برخوردار است که کتاب سعی کرده است با رویکردی مسئله‌مند به این موضوعات بپردازد، نوآوری خاصی در طرح مباحث و عمق‌بخشی به محتوای کتاب مشاهده نمی‌شود. مؤلف بهتر بود به جای این‌که یادداشت‌ها و سخن‌رانی‌های پراکنده را بدون نوآوری منتشر کند، با به‌کارگیری رویکردی هدف‌مند به حوزه فضای مجازی و فرهنگ و با اتکا به تجربه‌ای که از این حوزه دارد به مسائل مختلف فضای مجازی کشور به‌صورت عمیق‌تر و منسجم‌تری بپردازد و اثری متمایز و معطوف به فضای مجازی کشور را در چهارچوب ذهنی و عملی خود به جامعه علمی و سیاست‌گذاری کشور عرضه کند.

۲.۲.۵ ارزیابی و نقد مباحث نظری اثر

مباحث نظری کتاب *فضای مجازی؛ اجتماع و فرهنگ* که در بخش اول گنجانده شده، در تلاش است که «نظریه‌های معروف جهانی در حوزه تحولات فرهنگی متأثر از توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات» (فیروزآبادی ۱۳۹۶: ۴۶) را مرور کند. این مباحث نظری به ترتیب و طبق فهرست با این عناوین ذکر شده است: نظریه‌های پی‌آمدهای فرهنگی توسعه فاوا، نظریه جهانی شدن فرهنگی، نظریه جهانی شدن از دیدگاه متأخرین و اسلام، نظریه دین مجازی، نظریه دیجیتالی شدن فرهنگ ایرانی، نظریه جامعه اطلاعات بازی، نظریه صنعت فرهنگی، و نظریه فرهنگی دیداری.

شایسته بود مباحث نظری کتاب در قالب یک فصل جداگانه ارائه شود و از یک سیر منطقی در طرح مباحث نظری برخوردار باشد. ارائه مباحث نظری مختلف در این اثر در ارتباط با مطالب پسینی و پیشینی قرار نمی‌گیرد و این موضوع موجب آشفتگی نظری شده است.

نکته کانونی کتاب *فضای مجازی* است. بنابراین، در طرح مباحث نظری نیز این انتظار می‌رود که نظریات در رابطه با این موضوع مرکزی باشد، اما اختصاص بخشی از مطالب کتاب به نظریه صنعت فرهنگی معنادار نیست؛ درحالی‌که مؤلف می‌توانست در بخش نظری نظریه صنعت فرهنگ را در عصر فضای مجازی و متأثر از توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات مورد مطالعه قرار دهد یا به مباحث مربوط به فرهنگ مجازی یا فرهنگ دیجیتال بپردازد، نه این‌که به مرور مباحث کلاسیک این نظریه فرهنگی اکتفا کند. آثار برجسته حوزه ارتباطات دیجیتال نیز از همین رویه بهره گرفته‌اند. برای نمونه، مانوئل کاستلز در اثر جهانی خود، به نام *قدرت ارتباطات* (کاستلز ۱۳۹۶)، به خوبی مباحث کلاسیک ارتباطات، تبلیغات، و قدرت را با نظریه جدید خود درهم آمیخته است.

در درجه دوم، بهتر بود بخشی از کتاب به نظریات رایج جهانی و بومی فضای مجازی اختصاص می‌یافت و بدین ترتیب مرور دقیق‌تری بر نظریات حوزه فضای مجازی و فرهنگ صورت می‌گرفت. نظریات تأثیرگذار و فراگیری در حوزه فضای مجازی همانند نظریه «جامعه شبکه‌ای» مانوئل کاستلز (Castells 1996: 694) یا نظریات بومی همانند نظریه «دوفضایی شدن جهان» (عاملی ۱۳۸۲) می‌بایست در این اثر مطرح می‌شد و در کاربست حوزه نظری فضای مجازی کشور مورد نقد و بررسی قرار می‌گرفت.

باتوجه به رواج کرسی‌های نظریه‌پردازی و طرح نظریات بومی در این حوزه، این اثر نیز از امکان طرح این‌گونه مباحث نظری برخوردار بود. پارادایم دوفضایی شدن‌ها به‌عنوان یکی

از نظریات رایج در ایران در حوزه فضای مجازی به این موضوع می‌پردازد که ظهور جهان جدید یعنی «جهان مجازی» (virtual world) بسیاری از روندها، نگرش، و ظرفیت‌های آینده جهان را تحت تأثیر خود قرار خواهد داد. این جهان در واقع به موازات و گاه مسلط بر «جهان واقعی» (real world) ترسیم می‌شود و عینیت واقعی پیدا می‌کند (عاملی ۱۳۸۳: ۱۰). در ایران نیز فضای دوج جهانی شده جدید، که برخاسته از ظهور صنعت هم‌زمان ارتباطات است، امری مبهم تلقی می‌شود و در فضای سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی این نگرانی و ابهام کاملاً انعکاس یافته است (عاملی ۱۳۹۵: ۱۳).

طرح نظریه‌های جهانی و بومی حوزه فضای مجازی یکی از خلأهای کتاب است که مؤلف، باتوجه به تجربه و سابقه کاری خود در حوزه «سیاست‌گذاری و اجرا»، می‌توانست این نظریات را با وضعیت امروزی فضای مجازی و فرهنگ کشور مورد ارزیابی و بازخوانی قرار دهد.

۶. نتیجه‌گیری

کتاب *فضای مجازی؛ اجتماع و فرهنگ*، به قلم سید ابوالحسن فیروزآبادی، از جمله سیاست‌گذاران فضای مجازی که دبیری شورای عالی فضای مجازی را برعهده دارد، نه در چهارچوب اثری علمی و نه در قالب گزارشی مستندگونه و سازمانی قرار می‌گیرد، بلکه تجمیع یادداشت‌های کوتاه و خلاصه سخن‌رانی‌های نویسنده درباره فضای مجازی است.

نکته برجسته انتشار این اثر ادامه‌یافتن سنت مکتوب‌کردن خاطرات، تجربیات، یادداشت‌ها، و دیدگاه‌های سیاست‌گذاران و چهره‌های سیاسی و فرهنگی کشور است که اندوخته مطالعاتی خوبی برای پژوهش‌های بعدی فراهم می‌سازد. ضعف اثر نیز اهتمام ناکافی مؤلف و ناشر در جامعیت و غنابخشیدن به آن است که بتواند به خلق اثری مانا تر بینجامد.

فضای مجازی، به‌عنوان فضای دوم زندگی، با تمام زیست اجتماعی انسان معاصر پیوند دارد و نگاه نویسنده این اثر به سیاست‌گذاری فضای مجازی و رابطه آن با فرهنگ و سیاست اگرچه از اهمیت بالایی در حوزه مطالعاتی فضای مجازی ایرانی برخوردار است، نقدهای شکلی و محتوای جدی نیز بر آن وارد است.

این کتاب از نظر شکلی، علاوه بر اشکالات ویرایشی، عدم بهره کافی از اطلاعات، آمارها و منابع به‌روز، عدم یک‌دستی در ارجاع‌دهی، از منظر جامعیت صوری همانند عدم برخوردار بودن کتاب از نتیجه‌گیری پایانی و مقدمه برای هر بخش نیز مورد نقد قرار گرفته است.

این اثر از منظر محتوایی نیز از انسجام لازم برای گره‌زدن یک رشته مباحث نظری و موضوعات متناهی فضای مجازی به هم برخوردار نیست. مباحث کتاب، با موضوعات قبل و بعد خود، نسبت معناداری برقرار نکرده‌اند و مباحث مختلف بیش‌تر از آن‌که نظم و چهارچوب یک کتاب منسجم را داشته باشد، در قالب مجموعه یادداشت‌ها و سخنرانی‌های پراکنده مؤلف در روی داده‌های مختلف آماده‌سازی شده است.

مشکل ساختاری و تدوین اثر در بخش نظری آن نیز هویداست، به‌گونه‌ای که نویسنده به‌جای تبیین مسئله نظری خود و بهره‌گیری از نظریات جاری بومی و جهانی در حوزه فضای مجازی به یک‌سری مباحث کوتاه نظری پراکنده بسنده کرده است؛ درحالی‌که کتاب نیازمند تدوین مجدد و بازنگری «ساختار محتوایی» است.

پیش‌نهاد می‌شود مؤلف به‌دلیل جایگاه حقوقی خود، در مقام دبیر شورای عالی فضای مجازی، از آمارها، اطلاعات، و گزارش‌های معتبرتر و به‌روزتری در حوزه مسائل فضای مجازی بهره‌گیرد و این آمار را با نگاه و «تجربه زیسته خود» از پی‌آمدها و فرصت‌های فضای مجازی پیوند زند. در این صورت، مخاطب به فهم بهتری از سیاست، فرهنگ، و فضای مجازی کشور در اثر یکی از سیاست‌گذاران فضای مجازی دست می‌یابد.

کتاب‌نامه

- استین، لورا و نیکیل سینا (۱۳۸۳)، «رسانه‌های نوین جهانی و سیاست‌گذاری ارتباطات»، ترجمه لیدا کاووسی، فصل‌نامه رسانه، ش ۵۸.
- اکبرزاده جهرمی، سیدجمال‌الدین (۱۳۹۵)، «پی‌آمدهای هم‌گرایی اینترنت و تلویزیون بر سیاست‌گذاری رسانه‌ای در ایران»، مجله مطالعات فرهنگ - ارتباطات، دوره ۱۷، ش ۳۴، ش پیاپی ۶۶.
- خانیکی، هادی و حسین بصیریان جهرمی (۱۳۹۳)، «سیاست‌گذاران ایرانی و سیاست‌گذاری رسانه‌های اجتماعی»، برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دوره ۶، ش ۲۱.
- دال زوتو، سینزیا و آرتور لوگمایر (۱۳۹۷)، همگرایی رسانه‌ای، ترجمه سمیه لبافی و امیر مختاری و محدثه عقابایی، تهران: دنیای اقتصاد.
- روجک، کریس (۱۳۹۰)، مطالعات فرهنگی، ترجمه پرویز علوی، تهران: ثانیه.
- روشندل اربطانی، طاهر (۱۳۹۶)، سیاست‌گذاری رسانه‌ای، تهران: دانشگاه تهران.
- سورین، ورنر و جیمز تانکارد (۱۳۸۱)، نظریه‌های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان، تهران: دانشگاه تهران.
- عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۲)، «دوجوهانی شدن‌ها و آینده جهان»، کتاب ماه علوم اجتماعی، دوره ۶، ش ۹.

مطالعات فضای مجازی و فرهنگ؛ ... (سید احمد عسکری و احسان شاه قاسمی) ۳۰۵

عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۳)، «تکنولوژی هم‌زمان ارتباطات و دوفضایی‌شدن فرهنگ»، دیدگاه، ش ۱.
عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۶)، دین مجازی؛ دوفضایی‌شدن محیط دینی و ارتباطات درون‌دینی و بین‌دینی، تهران: طرح آینده.

عاملی، سعیدرضا (۱۳۹۵)، مطالعات جهانی‌شدن: دوفضایی‌شدن‌ها و دوجبهانی‌شدن‌ها، تهران: سمت.
عاملی، سعیدرضا (۱۳۹۶)، اینترنت و دوفضایی‌شدن علوم، تهران: امیرکبیر.

فیروزآبادی، سیدابوالحسن (۱۳۹۶)، فضای مجازی؛ اجتماع و فرهنگ، تهران: علمی و فرهنگی.
قلی‌پور، رحمت‌الله و ابراهیم غلام‌پور آهنگر (۱۳۸۹)، فرایند سیاست‌گذاری عمومی در ایران، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه، و فرهنگ، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، ج ۳، تهران: طرح نو.

کاستلز، مانوئل (۱۳۹۳)، شبکه‌های نخشم و امید (جنبش‌های اجتماعی در عصر اینترنت)، ترجمه مجتبی قلی‌پور، تهران: نشر مرکز.

کاستلز، مانوئل (۱۳۹۶)، قدرت ارتباطات، ترجمه حسین بصیریان جهرمی، تهران: علمی و فرهنگی.

ماژزاک، آن (۱۳۹۲)، پژوهش و سیاست‌گذاری، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.

مصطفی‌نژاد، عباس (۱۳۹۷)، «سیاست‌گذاری ارتباطات در عصر شبکه و جنبش‌های اجتماعی»، دوره ۵، ش ۱.

مک‌کوییل، دنیس (۱۳۸۲)، درآمدی بر نظریه ارتباط جمعی، ترجمه پرویز اجلالی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

مهدی‌زاده، سیدمحمد (۱۳۹۶)، نظریه‌های رسانه‌اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی، تهران: هم‌شهری.

نیکو، مینو و دیگران (۱۳۸۱)، شناخت مخاطب تلویزیون با رویکرد استفاده و رضامندی، تهران: سروش.

ون‌دایک، جان (۱۳۸۳)، «سیاست‌گذاری در جامعه شبکه‌ای»، ترجمه پیروز ایزدی، فصل‌نامه رسانه، ش ۵۸.

Boyd, D. M. and N. B. Ellison (2007), "Social Network Sites: Definition, History, and Scholarship", *Journal of Computer-Mediated Communication*, no. 13.

Castells, M. (1996), *Sociology of the Network Society Toward*, Oxford: Oxford University Press.

Castells, M. (2013), *Communication Power*, Oxford: Oxford University Press.

Sarikakis, K. (2004), *Powers in Media Policy: The Challenge of the European Parliament*, Oxford.

Van den Bulck, H. et al. (2019), *The Palgrave Handbook of Methods for Media Policy Research*, Switzerland: Palgrave Macmillan.

Wong, J. C. (2017), "Russia's Election ad Campaign Shows Facebook's Biggest Problem is Facebook", available at: <<https://www.theguardian.com/technology/2017/sep/21/facebook-russia-advertising-mark-zuckerberg>>.